شبکه کتابخانه‌های روستایی در نهاد کتابخانه‌ها

پنجمین نشست برنامه ملی راه آبادی شامگاه سه‌شنبه ۱۱ آذرماه به میزبانی شهر شیراز و سخنرانی مهدی رمضانی، معاون توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار شد. رمضانی در این برنامه از ایجاد شبکه کتابخانه‌های روستایی در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور خبر داد./ پایگاه اطلاع‌رسانی نهاد کتابخانه‌های عمومی

آغاز به کار نمایشگاه کتاب در مزار شریف

مجتبی نوروزی، معاون مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران گفت: مراسم افتتاحیه نمایشگاه کتاب ایران و افغانستان با حضور ناشرانی از دو کشور صبح امروز چهارشنبه (۱۲ آذر) در مزار شریف آغاز شد. وی افزود: این نمایشگاه که از ۱۲ تا ۱۹ آذر در مزار شریف دایر است، ۳۰ ناشر از ایران و ۱۱ ناشر افغانستانی در آن حضور دارند و محصولات خود را عرضه می‌کنند./ فارس

جلال و شمس آل احمد نفرات اول از راست و چپ عکس هستند

در آستانه دهمین سالمرگ شمس آل‌احمد، مجموعه‌ای از خاطرات او را گردآوری کرده‌ایم

شمس؛ پاسدار فرهنگ

فرهنگ و هنر

نام شمس‌الدین آل‌احمد، نویسنده و محقق ایرانی با نام برادرش جلال آل‌احمد گره خورده و شاید کمتر درباره خودش و خدماتش بدانیم. شمس که ۱۴ آذر سال ۱۳۸۹ از این جهان کوچید، علاوه بر نویسندگی و پژوهش، از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی بود و نیز همه عمر به عنوان دبیر آموزش و پرورش فعالیت کرده بود. از شمس آل‌احمد کتاب‌های متعددی منتشر شده از جمله «گاهواره»، «عقیقه»، «مجموعه قصه قدمایی»، «سیر و سلوک»، «از چشم برادر» و «حدیث انقلاب». او همچنین سفرنامه‌های متعددی نوشته از جمله سفرنامه‌اش به آلمان و اسپانیا که معماری و شهرسازی و فرهنگ و علایق مردم این کشورها را تشریح و تحلیل کرده است. در آستانه دهمین سالگرد درگذشت شمس آل‌احمد، مجموعه‌ای از خاطراتش با سیدعلی سجادی را اینجا می‌خوانید که پیش از این تعریف نشده‌اند. سجادی از جانبازان هشت سال دفاع مقدس و از دوستان قدیمی شمس آل‌احمد است که با هم سفرهای بسیار رفته‌اند و خاطرات زیادی در مقاطع مختلف تاریخی دارند.

۱ حرف حساب می‌زنی

حضرت امام(ره) در ۲۳ خرداد ۵۹ طی حکمی به آقایان محمدجواد باهنر، مهدی ربانی‌املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل‌احمد، جلال‌الدین فارسی و علی شریعتمداری مسؤولیت تشکیل ستادی را می‌دهند تا با استفاده از صاحب‌نظران متعهد، شورایی برای برنامه‌ریزی در رشته‌های مختلف و خط‌مشی فرهنگی دانشگاه‌ها فراهم آورند.

آقا شمس، افزون بر قرب و مَنزلتی که به اعتبار جلال داشت، در حوزه فرهنگ و ادب، معادلات سیاسی و مراودات اجتماعی اوان انقلاب، خود نیز یَلی محسوب می‌شد و قطعا لیاقت و قابلیت‌هایی داشت که رهبر کبیر انقلاب ضمن برگزیدن وی به‌عنوان هسته اولیه ستاد انقلاب فرهنگی، خطاب به او می‌گوید: آن‌گونه که من در تلویزیون می‌بینم، تو از روی میزان حرف می‌زنی.

آقا شمس تعریف کرده بود: احمد خمینی زنگ زد و پرسید تو نمی‌خواهی آقا را ببینی؟ به جای جواب گریه‌ام گرفت، گفتم: آخر انصاف هست، در این هجوم عطشان اقشار مردم و در این حجم انبوه وظایفش، من مصدّع شوم؟ گفتند که امام خودشان سراغت را گرفته‌اند. می‌خواهی وسیله بفرستم و بیایی؟ طبیعی بود که از خدا می‌خواستم. و اولین دیدار من با آن مرشد، جمعه ۵۹/۲/۲۶ انجام شد. فرمودند که من با خانواده شما سابقه دارم و با مرحوم پدر شما آقا سید احمدآقا، با مرحوم آسید محمدتقی - خدا رحمتش کند که در خدمت اسلام فوت شد - سوابقی دارم. منتها آقای جلال آل احمد را یک ربع ساعت بیشتر ندیدم.... شما را هم گاهی در تلویزیون می‌بینم. از قراری که احمد گفت جنابعالی به موسسه اطلاعات رفته‌اید. شما بهتر می‌دانید که این اطلاعات، این کیهان وضعشان در سابق چطور بود و حالا چگونه است. مع‌الاسف همان‌طورکه شما می‌دانید، ما مبتلا به یک طایفه روشنفکر هستیم که هر اصلاحی در کشور بخواهد بشود، نمی‌گذارند. درگذشته شاه نمی‌گذاشت و حالا اینها. ولو اینها همان‌ها نباشند اما کار آنها را می‌کنند. آزادی موازین دارد و به‌حمدا... شما این‌طوری که من تا حالا دیده و حرف‌های شما را شنیده‌ام از روی میزان حرف می‌زنید.

۲ قصد ارتحال ندارم

برای شمس و دلواپسی‌هایش عنوان سوگنوشته‌ای است، مزین به عکس سه‌نفره‌ای از استاد شمس آل‌احمد، به قلم سیدعزت‌ا... ضرغامی، رئیس سابق سازمان صدا و سیما که آذر سال ۱۳۸۹ در روزنامه جام‌جم نیز منتشر شد وقت خداحافظی، مهندس ضرغامی به آقا شمس گفته بود که استاد اجازه بده یک عکس یادگاری با شما داشته باشیم. آقا شمس آهسته و به‌شوخی گفت قصد ارتحال ندارم. ضرغامی به فراست دریافت و گفت جهت افتخار با برادر جلال. او ایل انقلاب، تو آن بالابالاها بودی و ما این پایین‌پایین‌ها. گفتنی است که بنده شاهد شنیدن همین حرف قدرشناسانه، از صفارهرندی وزیر ارشاد سابق نیز بودم.

۳ در محضر شمس

اولین آشنایی با شادروان شمس آل‌احمد، جز از طرق آثار مکتوب، صفحه تلویزیون، جراید و تلفن، برمی‌گردد به بهار ۵۹، پارک هتل تهران. ایشان، محمود عنایت، سردبیر مجله نگین از طرف بابک زهرایی و گروهک سوسیالیستی راه کارگر برای سخنرانی دعوت شده بودند. جوانک کمرو و به‌ظاهر مودبی در بخش ورودی به‌طور سرپایی کتاب‌های جلال، شمس، صفارزاده، اخوان‌ثالث، م. آزرم و دیگر آثار شعرا و نویسندگان منتشره از سوی رواق را در معرض فروش گذاشته بود. آقاشمس هم آن شب پس از آشنایی حضوری و نقل خاطره‌ای از زادگاهم گرگان، نام و نشان انتشارات رواق و حتی منزلش را داد و جهت تسریع در ارتباط یکی از عوامل رواق را که همان کتابفروش حاشیه مراسم که همانا همین استاد علی دهباشی فعلی باشد را معرفی کرد. ۳۰ سال پس از آن شب، در رمضان ۱۳۸۸، کتابی از مرحوم داریوش شایگان در یک کتابفروشی، از قضا موسوم به شمس، رونمایی و پس از امضا فروخته می‌شد. کتاب آمیزش افق‌ها. ساعتی قبل از موعد، خود را از شهرستان به کتابفروشی شمس که در یکی از کوچه‌های مشرف به خیابان شریعتی واقع شده بود رساندم. از قضا همان علی دهباشی را مجری برنامه یافتم. مجری مراسم، برایم ناشناس نبود، چراکه سابقه دیدارهایی در رواق و شناخت‌هایی از او در خانه شمس و از چشم و زبان اعضای خانه داشتم.

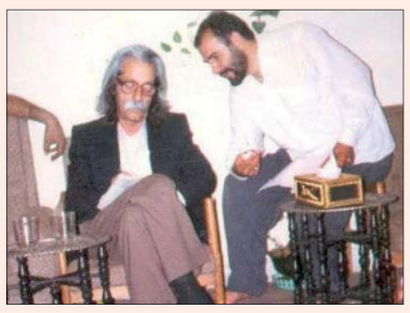

۴ گیس و سبیل شمس

برادر جلال از فضیلت و اخلاق خاصی برخوردار بود. چه کسی حاضر بود در طول انقلاب، ریش نداری خویش را همیشه خدا در گرو حل و گره‌گشایی از کسان و ناکسان، رفیق و نارفیق بگذارد؟! شمس این‌گونه و این‌چنین بود چراکه رضای حق را در رضای خلق می‌دید و خدمت به آنان. مخفی نماند، بارها در سفر و حضر، در مجامع عمومی و محافل خصوصی اظهار کرده بود: خدا نیاورد آن روز را که جوانان پرشور و انقلابی یا حتی ادبی، با این گیس و سبیل دراز، مرا درویش، درویش بی‌ریش و ریشه البته بجا آورده و گمراه شوند.

سجادی در سفرهای بسیاری همراه شمس بوده، او را پاسدار فرهنگ در ستاد انقلاب فرهنگی توصیف می‌کند و معتقد است شمس همیشه از همه سو مورد بی‌مهری قرار گرفته است

۵ درود ملت بر شمس

سال‌ها بعد از انقلاب و جنگ، افتخار همراهی و میزبانی آقاشمس را در سمنان و دامغان یافتم. «درود گرم شمس آل‌احمد» شعاری است که اوایل سخنرانی، توسط روحانیون سر داده شد و موضوع مورد اختلاف از زبان سه شاهد و ناظر آن روز و خود شمس شد. حجت‌الاسلام مازندرانی، کارمند سازمان تبلیغات، مدعی بود که روشنفکر سخنران یعنی شمس در جمع روحانیان، خودش این شعار را بر سر زبان آنها انداخته و توجه‌طلبی کرده است.

اما دو حجت‌الاسلام دیگر یعنی حاج شیخ حسن نعیمی، رئیس اسبق دانشگاه آزاد دامغان و حاج شیخ عباسعلی فُراتی، قاضی عسکر و رئیس محاکم نظامی تهران این شائبه را به‌عنوان دو شاهد عادل و مسلمان رد کردند.

۶ دیدار با شاعره طاهره

حدود ۲۰ سال قبل، پس از بازگشت از خوزستان در فرودگاه مهرآباد، آنچه را که آقاشمس به زبان نگفت به‌گمان دریافت و آن نجوای سرود «باز هوای سفرم آرزوست» بود. ناگزیر آقاشمس را قانعش کردم که نخست، حضرتش را به منزل رسانده و سپس اگر کس یا کسانی از یاران در تهران پیدا نکردیم، مجددا راهی سمت‌وسویی شده، طی‌الارض کنیم. دفتر تلفن را که فرشته‌خانم، عیال آقاشمس برایمان آورد، نسبت به چند نفر اظهار تمایل کرد و روی خانم صفارزاده به توافق رسیدیم. بنا شد فردای آن روز در کوچه مقصودبیگ تجریش حضور به‌هم رسانیم- که شاعر در تلفن دعوت و تأکید نموده بود ناهار ماش‌پلو و خاگینه خواهد پخت که گویا غذای مورد علاقه هر دو بود- پس از صرف ناهار با طاهره شاعره، رشته کلام شاعر و نویسنده به خاطره تلخ یک روز بارانی رسید. روز آوردن نعش جلال از اسالم به تهران توسط شمس و سیمین که خود آقاشمس هم البته آن روز یعنی روز واقعه را در کتاب گاهواره‌اش به قلم کشیده است. ظاهرا برخی از شاعران و نویسندگان متعهد و انقلابی وقت برای تسلی و همدردی، آن روز (۱۸ شهریور ۴۸) از تهران به کرج رفته بودند به پیشواز نعش جلال و به ورودی جاده چالوس اما خانم صفارزاده، وقتی دید که آقاشمس سکوت معناداری کرده با اظهار تأسف از واگویی خاطره تلخ مرگ جلال که باعث گریه بی‌صدای شمس شده بود، اظهار اعتذار کرد. میزبان با ایما و اشاره و آهسته به من گفت که در روز مرگ، تشییع، تدفین و حتی در مراسم عزای جلال گریه بلند و شیون از شمس نشنیده. صاحب‌عزا، بی‌صدا آرام و حتی گاهی بی‌اشك چشم، گریه می‌کرد.

تصویر مقاومت در سینما حقیقت

نشست رسانه‌ای و آنلاین محمد حمیدی‌مقدم، دبیر چهاردهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت، روز گذشته برگزار شد.

در این نشست که با اجرای شهنام صفاجو، مدیر روابط‌عمومی جشنواره برگزار شد، خبرنگار جام‌جم بحث شهادت دکتر محسن فخری‌زاده و مواجهه چهاردهمین جشنواره سینماحقیقت با آن را مطرح کرد؛ باوجود این‌که جمعی از فعالان سینمای مستند اخیرا با انتشار بیانیه‌ای، ترور دانشمند هسته‌ای کشورمان شهید محسن فخری‌زاده را محکوم کردند، آیا قرار است در جشنواره سینماحقیقت امسال بخش ویژه‌ای به شخصیت شهید فخری‌زاده و به موضوع شهادت ایشان اختصاص داده شود؟

دبیر جشنواره سینماحقیقت در پاسخ به این پرسش گفت: در حوزه پرداخت و اثری که مربوط به شهید والامقام دکتر محسن فخری‌زاده باشد، باتوجه به سریع بودن این اتفاق فعلا چیزی طراحی نکردیم، این موضوع باید در یك اتاق فکر منسجم قرار گیرد، اما جایزه ویژه سردار شهید قاسم سلیمانی را در این دوره خواهیم داشت که آن را به اثری مرتبط با حوزه مقاومت اهدا خواهیم کرد. طراحی این جایزه هم در ماه‌های قبل به انجام رسید. باتوجه به تبیین مکتب و نهضت فکری سردار سلیمانی، این بخش متفاوت با بخش جایزه شهید آوینی برگزار خواهد شد. چون احساس می‌کنیم این جایزه‌ها و این نکات، صرفا نباید شکل شعاری و مقطعی داشته باشد، بلکه باید بنیادین باشد. ان‌شاءا... باید در حوزه شهید فخری‌زاده هم فکر کرد و شورای فکری و سیاستگذاری جشنواره، به برنامه خوبی در این زمینه برسد. حمیدی‌مقدم همچنین در پاسخ به سوال دیگر جام‌جم مبنی بر این‌که جشنواره چهاردهم سینماحقیقت و به‌ویژه بخش جایزه شهید آوینی، چقدر به موضوع مقاومت و موضوعات استراتژیك و ملی بها می‌دهد هم بیان کرد: توجه به مضامین ارزشی قطعا جزو اهداف و شکل‌های بنیادین جشنواره است. این دغدغه همیشه در این رویداد وجود داشته و توجه و نگاه به آمار جشنواره و فیلم‌هایش هم به‌خوبی این نگاه را نشان می‌دهد.

«غارتگر» چنگ و دندان نشان می‌دهد

بازسازی اکشن معروف آرنولد

کیکاوس زیاری

سینمای جهان

تماشاگرانی که با دیدن هیولای درنده و بدقواره اکشن علمی-تخیلی و دلهره‌آور دهه هشتادی «پریدیتور/ غارتگر» نوع تازه‌ای از ترس را تجربه کرده‌بودند، قرار است دوباره با این ترس روبه‌رو شوند. این روزها که بازسازی فیلم‌های قدیمی و نسبتا قدیمی مد روز است، نسخه جدیدی از پریدیتور هم وارد مرحله تولید می‌شود. کمپانی فوکس قرن‌بیستم این اثر جنجالی را سال ۱۹۸۷ تهیه کرد و با آن، سبک جدیدی از محصولات علمی-تخیلی و موجودات بیگانه فضایی را به تماشاگران کنجکاو معرفی کرد. همان زمان، این فیلم صاحب دنباله‌هایی هم شد.

حالا که کمپانی والت‌دیزنی مالکیت فوکس و آرشیو فیلم آن را در اختیار گرفته، نسخه جدید را با هزینه‌ای ۱۰۰میلیون‌دلاری جلوی دوربین می‌برد. با آن‌که داستان فیلم بیش از هر چیز روی موجود هیولا گونه فضایی و بی‌رحم خود تمرکز می‌کند، اما آرنولد شوارتزنگر نقش اصلی نسخه اولیه را بازی کرد. اهل فن عقیده دارد مدیران والت‌دیزنی برای نسخه جدید هم، یکی از ستارگان مشهور سینما را برای نقش آرنولد انتخاب خواهندکرد. این در حالی است که زمزمه‌هایی شنیده می‌شود که این اکشن کار قدیمی و معروف دهه ۸۰ میلادی، به عنوان بازیگر مهمان در سکانس کوتاهی از نسخه جدید بازی خواهدداشت.

برای کارگردانی نسخه جدید، دن تراچتنبرگ انتخاب شده‌است. تماشاگران سینما او را به واسطه کارگردانی قسمت دوم درام علمی-تخیلی و ترسناک پرفروش «۱۰کلیولند لین» می‌شناسند. قرار است او ضمن وفاداری به داستان نسخه اصلی پریدیتور، روایتی امروزی از آن را ارائه کند. پاتریک آیسون فیلمنامه را می‌نویسد و کسی اطلاعی از جزئیات آن ندارد. با تولید نسخه جدید، این پنجمین فیلمی است که در ارتباط با این هیولای ترسناک ساخته می‌شود.

نسخه جدید پریدیتور در حالی در کمپانی والت‌دیزنی در دستور کار قرار گرفته که دو سال قبل هم فیلمی با الهام از داستان نسخه اصلی تولید و اکران عمومی شد. این اکشن که باید و شاید مورد استقبال تماشاگران قرار نگرفت، توسط شین بلک کارگردانی شده‌بود. با وجود هزینه ۹۰میلیون‌دلاری فیلم، تماشاگران در سراسر جهان فقط ۱۶۰میلیون‌دلار برای دیدن آن پرداخت کردند.

نسخه اصلی پریدیتور با هزینه ۱۶میلیون‌دلاری خود، موفق به فروشی ۱۰۰میلیون‌دلاری در سطح جهانی شد. این رقم فروش در آن زمان، رقمی خیره‌کننده به حساب می‌آمد. ۶۰میلیون‌دلار از این رقم، اختصاص به سینماهای آمریکای شمالی داشت. جان مک تیرنان کارگردانی فیلم را به عهده‌داشت. آرنولد برای بازی در سه‌قسمت بعدی فیلم، با سازندگان آن همکاری نکرد. نکته جالب این‌که سه‌قسمت بعدی را سه فیلمساز مختلف کارگردانی کردند./ ورایتی

واقعه

۱۰ سال از کارها عقب هستم

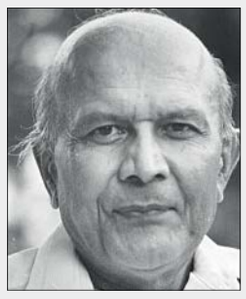

فردا ۱۴ آذر سالروز درگذشت غلامحسین یوسفی است

استاد ایرج افشار در کتاب عزیز و مهم «نادره‌کاران» درباره غلامحسین یوسفی این‌گونه می‌نویسد: «دکتر غلامحسین یوسفی دانشمندی بود بی‌تکلف و بی‌تکبر و مشوق واقعی علم و دوستدار معرفت و انسانیت. صفاتی که کمتر در یک شخص جمع می‌شود. مقام علمی او در میان ایران‌شناسان و مراکز عملی و پژوهشی که به مسائل و مباحث غیرسیاسی ایران اهمیت می‌دهند کاملا شناخته است. به همین ملاحظه چندبار به دعوت دانشگاه‌های معتبر به آمریکا و اروپا سفر کرد و در مجامع و کنگره‌ها خطابه علمی خواند و در دانشگاه‌های معتبر درس گفت. مقالاتش چون کاغذ زر در مجله‌ها و نشریه‌های علمی جهانی درج شده است.»

دکتر شفیعی‌کدکنی نیز در مجله بخارا، شماره ۱۳۲مرداد و شهریور ۱۳۹۸ درباره یوسفی نکته جالب دیگری را مطرح می‌کند: «او به داستان‌های هدایت، چوبک و... همان‌قدر توجه می‌کرد که به نوشته‌های بیهقی و نصرا... منشی و به شعر فروغ و اخوان همان‌قدر اهمیت می‌داد که به شعر بهار و پروین.»

این جامع‌الاطراف‌بودن یوسفی را می‌توان در کتاب‌هایش نیز تا حد زیادی بررسی کرد. از تصحیح بوستان و گلستان سعدی گرفته تا چشمه روشن و کاغذ زر می‌توان نگاه جامع یوسفی در تحقیق و پژوهش را دید.

دختر غلامحسین یوسفی، سروش یوسفی درباره نگاه دوستانه او در جمع‌کردن همه و عشق او به انسان‌ها این‌گونه می‌گوید:

«وجود پدرم همیشه سرشار از عشق بود، عشق به مردم، عشق به معلمی، عشق به وطن، عشق به خراسان و... و عشق به معلمی بود که بارها از او نقل شده که بهترین ساعات عمرش در کلاس درس و نزد شاگردان بوده است. همچنین عشق به مردم در کنار عشق به آموزش، باعث می‌شد همیشه با کمال افتادگی از وضعیت تحصیل کوچک‌ترین فرزندان هریک از کارکنان مجموعه جویا شود و با وجود محدودیت زمانی که خود قائل به آن بود و همیشه می‌گفت ده سال از کارها عقب هستم، برای ایشان وقت صرف کند و از ما هم بخواهد هرگونه همراهی‌ای کنیم. برای من نوشتند:

از پدر بشنو که جانش پر غم است/ فرصت او بهر همگامی کم است
من همه مهر و وفا آموختم/ جان خود آخر در این ره سوختم
گرچه جز حرمان نیامد حاصلم/ جز محبت نیستی چیزی در
پدرم هیچ‌گاه کینه‌ای به دل نداشت. می‌گذشت و می‌بخشید. برخی مواقع که به رسم معمول پس از چاپ کتاب جدید، تعدادی را برای دوستان دست‌نویس می‌کردند از ایشان می‌پرسیدم به چه دلیل برای برخی افراد که قدرناشناس بودند و ترک یار کردند نیز نسخه‌ای درنظر می‌گیرد و همیشه پاسخ ایشان این بود که بنده به این شخص ارادت دارم و از دوستان من است و قطعا زبان من برای ادامه گفتار قاصر می‌شد.